



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۴ اسفند ۱۳۹۳  
مصادف با: ۴ جمادی الاولی ۱۴۳۶  
جلسه: ۷۹

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثالث: الكنز)  
موضوع جزئی: مقام دوم: تفسیر کنز (جهت دوم: بحث از اعتبار قصد ادّخار)  
سال پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم درباره مقام دوم که تفسیر کنز است در چند جهت لازم است که بحث کنیم؛ جهت اولی درباره اعتبار قید مستوریت فی الارض بود اینکه آیا مالی که کشف می شود باید حتماً از زمین کشف شود یا اگر این مال در غیر ارض من الجبل الشجر و الجدار و السقف و نحوها یافت شود باز هم عنوان کنز بر آن صدق می کند. در این جهت نتیجه این شد که خصوصیت مستوریت فی الارض مدخلیتی ندارد و عرفاً بر چیزی که در جایی مستور شده باشد اعم از اینکه در زمین باشد یا در غیر زمین، عنوان کنز صادق است.

### جهت دوم: بحث از اعتبار قصد ادّخار

جهت ثانی این است که آیا در معنا و مفهوم کنز خصوصیت قصد ادّخار و ذخیره کردن برای روز مبادا و نیاز معتبر است یا نه؟ یعنی وقتی که این مال مستور می شده، باید به فعل فاعل بوده و شخصی این مال را عن قصد و لاجل الذخیره لیوم الفاقه مستور کرده باشد یا اگر ستر بنفسه هم باشد مثلاً در اثر خراب شدن خانه‌ای این اموال در ارض مدفون شده یا زلزله موجب شده این اموال مستور شود باز هم عنوان کنز صادق است؟

اگر بگوییم در صدق کنز قصد معتبر است تنها بر اموالی که توسط کسی مستور شده و ساتر هم قصد کرده که این اموال را برای روز فقر و نیاز ذخیره کند، عنوان کنز صادق است. اما اگر کسی گفت قصد معتبر نیست آن گاه کنز به مطلق مال مستور گفته می شود اعم از اینکه کسی با قصد آن را مستور کرده باشد یا این قصد را نداشته یا اساساً ساتری نبوده بلکه خود به خود مستور شده است، در هر صورت عنوان کنز تحقق پیدا می کند. عده‌ای قائل به قول اول بوده ولی مشهور معتقدند این قصد در مفهوم کنز معتبر نیست.

### قول اول: اعتبار قصد

عده‌ای معتقدند ستر حتماً باید به فعل فاعل و مقرون به قصد او باشد یعنی کنز عرفاً به چیزی گفته می شود که کسی آن را به منظور ذخیره سازی مستور کرده باشد لذا اگر به واسطه زلزله خانه خراب شود و این مال مستور شود عنوان کنز بر آن صادق نیست بلکه لقطه است و احکام لقطه بر آن بار می شود.

شهید ثانی از جمله کسانی که قائل به این نظریه است و هم در مسالک و هم در شرح لمعه به این مطلب تصریح کرده است. به نظر او در تحقق مفهوم کنز قصد شخص ساتر و پوشاننده و دافن معتبر است. عبارت ایشان در مسالک این است: «يعتبر فی

الادّخار كونه مقصوداً لتحقق الكنز فلا عبرة بإستتار المال بالارض بسبب الضياع بل يلحق باللقطة<sup>۱</sup>؛ برای تحقق كنز قصد ادخار و ذخیره سازی معتبر است لذا اگر مال به سبب خراب شدن زمین مستور شود این كنز نیست بلکه ملحق به لقطه می‌شود. در شرح لمعه هم كنز را این طور تعریف کرده که: «هو المال المذخور تحت الارض قصداً»<sup>۲</sup>؛ صراحتاً اعتبار قصد را در معنا و مفهوم كنز بیان کرده است.

بعضی هم اگرچه تصریح به اعتبار این قصد نکرده‌اند اما چه بسا بتوان این قول را به آنان نسبت داد یعنی هر کسی که در تفسیر كنز این عبارت را بکار برده «الكنز هو المال المذخور فی الارض» از کسانی است که قصد را معتبر می‌داند چون عنوان مذخور ظهور در این جهت دارد. مذخور یعنی ذخیره شده. ذخیره شده یعنی اینکه کسی از روی قصد و عمد و با غرض و هدف خاصی مال را ذخیره کند. اگر مالی خود به خود زیر زمین مدفون شود به آن مذخور نمی‌گویند. پس هر کسی که در تفسیر كنز این جمله را بکار برده که هو المال المذخور فی الارض چه بسا بگوییم عبارتش ظهور در این دارد که به نظر او قصد ادخار و ذخیره سازی در تحقق عنوان كنز مدخلیت دارد.

### دلیل قول اول

از مجموع کلمات کسانی که در این مقام در صدد استدلال بر آمده‌اند به دست می‌آید که عمده دلیل آنان ادعای تبادل و فهم عرفی است. بعضی از بزرگان در تبیین این وجه بیانی دارند که شاید بهترین بیانی باشد که در این رابطه وجود دارد. ادعا این است که وقتی مردم می‌شنوند که فلان کس گنج پیدا کرده، آنچه به ذهنشان متبادر می‌شود این است که گنج در یک کوزه و ظرف مخصوص قرار دارد لذا سؤال می‌کنند از اینکه در آن کوزه چه چیزی و چه مقدار بود؟ همین که سؤال می‌کنند از عدد کوزه‌ها و آن چیزهایی که در آن بوده نشان می‌دهد که با قصد این کار انجام شده یعنی خود عرف از کلمه كنز این معنا را می‌فهمند که کأنّ یک ظرفی برای این کار آماده شده و چیزهایی در آن ذخیره شده و این حتماً ملازم با قصد است. پس متبادر از معنای كنز این است که قصد در معنای كنز مدخلیت دارد یعنی همینکه مردم این را می‌شنوند، آنچه که به ذهنشان می‌آید و سؤالاتی که در پی آن می‌کنند معلوم می‌شود که چیزی پیدا شده که ذخیره شده بوده به قصد خاص و این خودش بهترین دلیل است که در اینجا قصد معتبر است.

بعد ایشان می‌فرماید: فرق بین كنز و ركاز در همین است که ركاز عبارت است از «ما هو مركزوز فی الارض» یعنی آنچه که منشأش زمین است اما كنز در زمین دفن شده اما مركزوز و منشأش زمین نیست لذا ایشان ادعا می‌کند که ركاز بر معدن صدق می‌کند و شامل كنز نمی‌شود. كنز یک معنایی دارد و ركاز یک معنای دیگری دارد و اشکال می‌کند در حجیت فهم عامه و همچنین اصحاب که ركاز را اعم از معدن و كنز می‌دانند. پس طبق نظر وی كنز عبارت است از «ما هو المدفون فی الارض» اما ركاز عبارت است از «ما هو المركزوز فی الارض»؛ مركزوز فی الارض یعنی آنچه که مركزش زمین است و از زمین ناشی شده و ریشه در زمین دارد اما كنز بعداً در زمین قرار داده شده و مركز و منشأش ارض نیست و از ارض ناشی نشده است ایشان در

۱. مسالك الافهام، ج ۱، ص ۴۶۰.

۲. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۶۸.

نهایت می‌فرماید: جا برای این هست که ما تشکیک کنیم در صدق لفظ کنز بر چیزی که قصد دفن آن نشده بلکه خود به خود دفن شده است. در مورد رکاز هم می‌گوید اطلاق رکاز بر معنایی که کنز افاده می‌کند محل شک و شبهه است.

البته در نهایت امر ایشان از راه دیگری که توضیح خواهیم داد (راه تنقیح مناط) به نوعی مسئله اعتبار قصد را منکر می‌شود.<sup>۱</sup> پس اجمالاً دلیلی که بتوان به آن استناد کرد برای اعتبار قصد در صدق عنوان کنز همین تبادر عند العرف است که عرف از لفظ کنز این را می‌فهمد یعنی مالی که به قصد خاصی برای روز مبادا در زمین دفن شده لذا اگر دفن در زمین به غیر هذا القصد باشد عنوان کنز بر آن صادق نیست.

پس قول اول و دلیل این قول را هم تبیین کردیم. حال باید بررسی کنیم این قول و دلیل قابل قبول است یا نه و بعد سراغ قول دوم برویم.

### بررسی دلیل قول اول

این دلیل به نظر ما محل اشکال است. اینکه گفته شد عرف وقتی لفظ کنز را می‌شنود آنچه به ذهنش تبادر می‌کند این است که این مال به قصد ذخیره سازی دفن شده، اتفاقاً ادعای ما این است که مسئله بر عکس این است؛ ایشان فرمود: «الا تری ان الناس اذا سمعوا ان فلاناً وجد كنزاً يتبادر الی اذهانهم كذا»، ما هم می‌گوییم: «الا تری ان الناس اذا سمعوا ان فلان وجد كنزاً يتبادر الی اذهانهم که این یک مالی است که از دیوار یا از زمین (چون ما خصوصیت مستور فی الارض بودن را هم رد کردیم) کشف شده، وقتی عرف می‌شنود کسی گنج و کنز پیدا کرده، کاری ندارد به اینکه این چگونه پوشیده شده است. از نظر عرف همین که مالی در یک جایی مستور بوده و پیدا شده اعم از اینکه این ستر به فعل فاعل بوده یا بنفسه و اگر بفعل فاعل بوده قصد بوده یا نبوده عنوان کنز بر آن صادق است. آنچه عرف می‌فهمد این است که یک مالی مستور پیدا شده و دیگر به این توجه نمی‌کند که آیا این مالی بوده که توسط شخص خاصی دفن شده، قصد داشته یا نداشته است. اگر فرض کنید مثلاً دویست سال قبل یا پانصد سال قبل در یک شهری زلزله آمده و این شهر خراب شده و الان بعد از پانصد سال یک کیسه طلا پیدا کند آیا از نظر عرف بر این مال مستور فی الارض که به فعل فاعل مستور نشده و بر اثر زلزله این مال مدفون شده عنوان کنز اطلاق نمی‌کند؟

واقع این است که انسان هر چه فکر می‌کند می‌بیند که از نظر عرف عنوان کنز و گنج به مالی که از جایی پیدا شود، صدق نمی‌کند و فرقی نمی‌کند از زمین یا از خرابه‌ای و یا از دیوار خرابه‌ای کشف شود. عرف اصلاً به این جهت توجه ندارد و فکر نمی‌کند که آیا کسی این را به منظور ذخیره کردن برای روز مبادا دفن کرده است یا خیر؟ بلکه به "ما هو مستور فی الارض سواء كان بفعل فاعل ام بنفسه" نظر می‌کند و به هر حال عنوان کنز از نظر عرف صادق است. لذا این بیان به نظر ما تمام نیست. اما آنچه ایشان در فرق بین کنز و رکاز فرمود، این هم به نظر ما قابل قبول نیست. اینکه این معنی را به فهم اصحاب نسبت داده‌اند و گفته‌اند معنای کنز و معنای رکاز کاملاً با هم متفاوت است؛ به نظر می‌رسد محل اشکال باشد و این با توجه به روایتی که از زراره نقل کردیم، معلوم می‌شود. در صحیح زراره آمده بود «سَأَلْتُهٖ عَنِ الْمَعَادِنِ مَا فِيهَا فَقَالَ كُلُّ مَا كَانَ رِكَازًا فَفِيهِ

۱. کتاب الخمس (آیت الله منتظری)، ص ۷۶ و ۷۷.

الْخُمْسُ»؛ سؤال از معادن است که چه چیزی در آن ثابت است؟ آیا چیزی باید از معادن پرداخت شود یا نه؟ امام فرمود: هر چیزی که رکاز باشد در آن خمس ثابت است. اگر رکاز اعم از معدن و کنز نبود و شامل کنز نمی‌شد، معنا نداشت امام جواب بدهد به اینکه «كُلُّ مَا كَانَ رِكَازًا فَفِيهِ الْخُمْسُ» اگر سؤال از معادن بود، امام هم در جواب باید می‌فرمود: فيه الخمس چرا بگوید هر چیزی که رکاز است در آن خمس است. همچنان که در مورد کنز وارد شده: «عَنِ الْكَنْزِ كَمْ فِيهِ؟ فَقَالَ الْخُمْسُ»<sup>۲</sup>. ولی اینجا امام بجای اینکه بگوید: "فيه الخمس" فرمود: «كُلُّ مَا كَانَ رِكَازًا فَفِيهِ الْخُمْسُ». معلوم می‌شود عنوان رکاز یک عنوانی است اعم از عنوان معدن لذا نمی‌توانیم رکاز را منحصر به معدن کنیم بلکه شامل کنز هم می‌شود. بنابراین بهترین دلیل بر نفی ادعای ایشان مبنی بر تفاوت و تباین بین لفظ کنز و لفظ رکاز، همین روایت زراره است که به خوبی از این روایت فهمیده می‌شود که معنای رکاز اعم از معدن و کنز است.

سؤال:

استاد: مرکوز فی الارض را چه می‌خواهید معنا کنید؟ مرکوز و رِكَزَ یعنی نَشَأَ. یعنی منشأ و مرکزش زمین است. می‌گویند معدن مرکوز است چون مرکزش ارض است و از ارض ناشی شده است. اینکه می‌گویند فلان امر ارتکازی است یعنی در درون ما ریشه دارد و در عمق ذهن و نفس ما وجود دارد. ولی مسئله این است که همه لغویین این گونه معنا نکرده‌اند. درست است ریشه آن رکاز است ولی این مرکوز فی الارض یعنی منشأ آن زمین باشد. لکن به معنای آن نیست که متکون من الارض باشد؛ منشأ ارض باشد یعنی از زمین گرفته شده باشد اما اینکه متکون من الارض باشد یعنی از ارض درست شده باشد که فقط بر خصوص معدن صدق کند، ما چنین چیزی از آن نمی‌توانیم استفاده کنیم.

سؤال:

استاد: یعنی ما مخالفیم با نظر ایشان که می‌گوید رکاز یعنی معدن و کنز یعنی گنج. طبق آن چیزی که ما گفتیم اگر عنوان کنز هم بر آن صدق نکند عنوان رکاز صدق می‌کند.

سؤال:

استاد: عنوان گنج غیر از عنوان معدن است. لازمه این، این نیست که عنوان جدید پیدا شود. اگر این کنز هم نباشد و لقطه باشد احکام لقطه بر آن بار می‌شود.

البته باید دقت شود که هر کدام باشد، آثاری دارد یعنی اگر خمس در آن به عنوان خاص کنز ثابت شود، مسئله نصاب مطرح است ولی اگر به عنوان رکاز خمس به آن متعلق شود، دیگر مسئله نصاب در آن مطرح نیست. پس اگر به عنوان کنز مشمول ادله خمس باشد یا به عنوان دیگری، قطعاً اثر آن با هم فرق دارد.

در هر صورت نتیجه بررسی قول اول این شد که عرف به هیچ وجه موافق با اعتبار این قصد در مفهوم کنز نیست. اینکه ادعا کردند متبادر از کنز این است که مال با قصد مستور شده باشد، به نظر می‌رسد تمام نیست.

۱. تهذیب، ج ۴، ص ۱۲۲، حدیث ۳۴۷؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۹۲، باب ۳ از ابواب ما یجب فیہ الخمس، حدیث ۳.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱، حدیث ۷۳؛ تهذیب، ج ۴، ص ۱۲۱، حدیث ۳۴۶؛ کافی، ج ۱، ص ۴۵۹، حدیث ۱۹؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۹۵، باب ۵ از ابواب ما یجب فیہ الخمس، حدیث ۱.

## قول دوم

اما قول دوم قول به عدم اعتبار این قصد در کنز است و هو ما ذهب اليه المشهور. مشهور قائلند به اینکه قصد ذخیره سازی لیوم الفقر و الفاقة او لغایة اخرى در معنای کنز دخالتی ندارد. هرچه که در زمین مستور شود و یافت شود عنوان کنز بر آن صادق است. چه کسی با قصد این کار را کرده باشد یا خود به خود در اثر زلزله و رانش و امثال ذلک صورت گرفته باشد. به طور کلی بر همه اینها عنوان کنز صادق است.

**بحث جلسه آینده:** اما دلیل مشهور بر این قول و این ادعا را ان شاء الله جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمين»